روزنه

سخنان خاتمی در «مجمع عمومی» ۱۳۷۷

می‌خواهم از زبان انسانی سخن بگویم که از شرق، از خاستگاه تمدن‌های درخشان و از مهد پرورش پیامبران والامقام الهی ابراهیم، موسی، عیسی و محمد(ص) آمده است. من از ایران سرفراز آمده‌ام به نمایندگی از ملتی بزرگ و برآواره که از دهها قرن پیش صاحب تمدن بوده و پس از پذیرش آیین اسلام، در تأسیس و بسط تمدن اسلامی نقش ممتاز داشته است ملتی که با تکیه بر غنای فرهنگی و انسانی خویش تندباد‌های سخت خودکامگی و تحجر و نیز دخدادخنگی در برابر دیگران را از سر گذرانده و در دوران جدید تاریخش، پیشتاز تأسیس جامعه مدنی و نظام مشروطیت در شرق جهان بوده هرچند که در اثر دخالت بیگانگان و نیز کم‌تجربگی در این آزمون، ناکامی‌هایی داشته است. ملتی که یکی از طلایه‌داران مبارزه با استعمار و منادی استقلال بوده، هرچند نهضت ملی و یا کودتای خارجی شکست خورده است و ملتی که صاحب انقلابی مردمی است. انقلابی که نه با کودتا و زور اسلحه آشنیش که با سلاح کلام و ارشاد به رژیم کودتا پیروز شده است و درسیر تجربه نوین خود، جنگ تحمیلی هشت‌ساله و فشارها تحریم‌ها و تهمت‌های گوناگون را تحمل کرده و بزرگ‌ترین قربانی تروریسم این پدیده شوم و نفرت‌انگیز قرن بیستم بوده است.

قرن گذشته علاوه‌بر برجلوه‌های خشونت و انسان‌آزاری استعمار قدیم و بیدادی همانند میراث خواران جدید آن، قرن ظهور و سقوط حکومت‌های توتالیتر نیز بود. امید است قرن آینده، قرن نظام‌حکومت‌هایی باشد که زور و خشونت را تقدیس نکنند و بالقول قدرت سیاسی، محبت و عدالت باشد به گونه‌ای که گفت‌وگوی تمدن‌ها مظهر و مجلای آن باطن باشد. نه نام جمهوری اسلامی ایران پیشنهاد می‌کنم که به‌عنوان گام اول، سال ۲۰۰۱ از سوی سازمان ملل سال گفت‌وگوی تمدن‌ها نامیده شود، با این امید که با این گفت‌وگو، نخستین گام‌های ضروری برای تحقق عدالت و آزادی جهانی برداشته بشود. از والاترین دستاوردهای این قرن پذیرش ضرورت و اهمیت گفت‌وگو و جلوگیری از کاربرد زور، توسعه تعامل و تفاهم در زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی و تقویت مبانی آزادی و عدالت و حقوق انسانی است. اگر و تنها در سایه مدنیت چه در صحنه کشورها و چه در پهنه جهانی، در گرو گفت‌وگو میان جوامع و تمدن‌ها با سالفی، آرا و نظرات متفاوت است.

اگر بشریت در آستانه هزاره و قرن آتی تلاش و همت خود را بر نهادینه‌کردن گفت‌وگو و جایگزینی خصومت و ستیزجویی با تفاهم و گفت‌وگو استوار سازد، دستاورد ارزشمندی برای نسل آتی به ارمغان آورده است از سوی دیگر جا دارد ما اعضای سازمان‌ملل‌متحد به بازنگری در تاریخ شکل‌گیری این سازمان بپردازیم و با گفت‌وگوی منطقی، آن را اصلاح و کامل کنیم. وقت آن رسیده است که همگی با تفاهم، بر حق تبعیض‌آمیز «وتو» خط بطلان بکشیم و گام دیگری را در به‌رسمیت‌شناختن حق مساوی و عادلانه همه کشورهای عضو برداریم.

ادامه از صفحه ۷

طنین صدای «مجمع عمومی»

هیات نمایندگی و رییس‌جمهور ایران امسال هم برنامه فشرده‌ای از ملاقات‌ها، دیدارها و مصاحبه‌ها را در دستور کار خود قرار داده‌اند. در گام نخست، رییس‌جمهور ایران برای ارایه تصویری متفاوت و دلپذیر از فضای سیاسی، اقتصادی و امنیتی ایران پشت تریبون ملغ قرار خواهد گرفت و بدون تردید توجه زیادی را به خود جلب خواهد کرد. بدون شک مشاوران ایران قبلا در خصوص شکل و محتوای بیانات ایشان توصیه‌های لازم را ارایه خواهند داد. سخنرانی کوتاه و مورد از دیپلماتیک و یک سخنرانی مفاهم‌طبیعی‌هستی بسیار تاثیرگذار بود. خاطرم هست آن زمان من سفیر ایران در آلمان بودم، سفیر کوبا به من می‌گفت که «فیدل کاسترو» فیلم سخنرانی رهبری را دارد و چند وقت پیگیر نگاه می‌کند. کسانی که کاسترو را می‌شناسند، می‌دانند که او اهل تملق و شوخی نیست. وقتی می‌گوید فیلم سخنرانی را دارد و آن را می‌بیند، به این معناست که این سفیر- سفر مطرح و تاثیرگذاری بوده است. بعد از آن، به نظرم دومین سفری که مهم بود و توانست افکار عمومی را جلب کند، سفر آقای خاتمی بود که گفت‌وگوی تمدن‌ها در آن به تصویب رسید. این سفر از از جهت موفق بود که مطالب با ادبیاتی متفاوت و جدید مطرح شد. باوجود اینکه دنیا می‌خواست از ایران یک‌چهره ضدصلح و جنگ‌طلب معرفی کند، طرح گفت‌وگوی تمدن‌ها به تصویب رسید که بسیار مهم بود. این دو سفر بالاترین نمره را دارد.

■ با توجه به اینکه هشت‌سال ریاست ایران‌هراسی انجام می‌شده است، سفر آقای روحانی توانست این فضا را برگرداند؟ و اینکه امسال هم می‌تواند امتداد داشته باشد؟

بله. سفر سال گذشته تا حدودی توانست ایران‌هراسی را برگرداند ولی موضوع ایران‌هراسی و اسلام‌هراسی به‌نظر من یک‌پروژه ادامه‌دار است و به این زودی تمام نمی‌شود. البته افکار عمومی دنیا فهمیده است آنکه دنبال جنگ است آمریکا و رژیم صهیونیستی و این دسته از کشورها هستند.

■ سفر رییس‌جمهوری به نیویورک می‌تواند به فضای مذاکرات کمکی کند؟

می‌تواند. تاثیر بگذارد ولی ما باید بدانیم در مذاکرات هسته‌ای، اختلافات جدی است به نظر می‌آید پس از مذاکرات دوجانبه که شهریور ماه برگزار شد، این اختلافات کمتر شده است. اخباری هم که از این مذاکرات منتشر شده از طرف ایران بوده، البته غیرها قطعا انظار امیدواری کردهاند که مذاکره به نتیجه برسد. ولی از محتوای مذاکره زیاد چیزی نگفتند. از حرف‌های طرف ایرانی اینگونه برمی‌آید که فاصله زیاد است. البته از اینجا هم معلوم بود که فاصله زیاد خواهد بود شاید ما دچار خوشبینی بی‌دلیل شدیم و فکر کردیم مذاکرات به نتیجه می‌رسد. مذاکرات با غربی‌ها، مذاکرات حقوقی نیست. چراکه اگر مذاکرات حقوقی بود در دو اول، دوم، سوم یا حتی ۱۱ سال پیش باید تمام می‌شد. غرب این مذاکرات را سیاسی کرده یعنی آنها به‌دنبال راه‌حل‌های حقوقی و مرسوم در عرف بین‌المللی نیستند. وقتی اینگونه است آن اراده سیاسی باید در طرف غربی به وجود بیاید. غرب الان دچار مشکل است یعنی آنها به این توافق بیشتر از ما نیاز دارند و خود غربی‌ها هم کم‌کم این را متوجه می‌شوند. بنابراین در این فضا تصور من این است که غربی‌ها به این تفاهمنامه نیاز دارند چون ۱۱۰۱ سال موفق نشدند و فکر کردیم مقابله با ایران همکاری کنند؛ مهم‌تر از همه اینها به نظر من غربی‌ها این را می‌دانند اعتمادبه‌نفس و خودباوری ایرانی‌ها بالاست.

■ برخی بر این عقیده‌اند که نشست مجمع عمومی بیشتر حالت دکوری دارد. جایگاه مجمع‌عمومی سازمان‌ملل در مراوده بین کشورها چیست؟

مجمع‌عمومی بزرگ‌ترین جلسه‌ای است که در طول سال درباره مسایل مهم بین‌المللی برگزار می‌شود. در طول یکسال جمعیت و گروهی، جلسه‌ای به این بزرگی ندارد. از این جهت این اجلاس جزاهمیت است. این به این معناست که حاوی دیدگاه‌ها، بحث‌ها و نظرهای مختلف است. در کنار مجمع، جلسات متعددی برگزار می‌شود. مثلا در کنار این اجلاس، گروه عدم تعهد، یا کنفرانس اسلامی اگر بتوانند اعضایشان را جمع کنند جلسه برگزار می‌کنند. یا اینکه جلسات در مورد محیط‌زیست برگزار می‌شود که امسال نیز شاهد آن خواهیم بود. یعنی اینکه وقتی صحبت از مجمع‌عمومی می‌شود، بحث فقط محدود به جلسه مجمع که روسای جمهوری یا وزرای خارجه در آن سخنرانی می‌کنند، نمی‌شود؛ بلکه جلسات متعددی با موضوعات مختلف در کنار آن برگزار می‌شود. این خوش‌شانسی فی‌نفسه دارای اهمیت است. موضوع دیگر که در این اجلاس اهمیت دارد، بیان نظرات و دیدگاه‌های مسوولان مختلف نظیر رییس‌جمهوری، نخست‌وزیر یا وزیرخارجه کشورهاست. چراکه با مطرح‌شدن دیدگاه‌های کشورها و همچنین پوشش خوبی که این اجلاس در کنار آن برای رسانه‌جهان دارد، می‌توان گفت که طرح دیدگاه‌ها به کشورها کمک می‌کند تا در افکار عمومی تاثیرگذار باشند. کارکرد دیگر مجمع‌عمومی، دیدار وزرا و هیأت‌های دیپلماتیک با همتایان خود از سایر کشورهاست که بسیار اهمیت دارد. برخی کشورها از تریبون‌دادن مصاحبه‌های مطبوعاتی یا بازدیدهای رسانه‌ای به‌خوبی از حاشیه مجمع‌عمومی استفاده می‌کنند. چراکه الان دنیا، دنیای رسانه‌هاست و یکی از پایه‌های مهم دیپلماسی بر رسانه استوار است. اگر کشوری بتواند از مجموعه این ظرفیت‌ها بیشتر استفاده کند، بیشتر موفق است. مجمع‌عمومی کارکرد اجرایی ندارد و تصمیمی نمی‌گیرد ولی این کارکردهای از هر تصمیم اجرایی‌ای مهم‌تر است. مجمع‌عمومی جایی است که کشورها برای منافع ملی‌شان می‌توانند از آن استفاده زیادی ببرند.

■ اگر بخواهیم عملکرد دولت‌های پس از جنگ را در مجمع‌عمومی بررسی کنیم، به نظر شما از بین سفر یا سفرهای آقایان «خاتمی»، «احمدی‌نژاد» و «روحانی» کدام‌یک موفق‌تر بود؟

به نظر من سفری که مقام‌معظم‌رهبری در قالب رییس‌جمهوری به نیویورک رفتند، بسیار سفر موفقی بود. چون فضای جنگ را داشتیم و انزوای دیپلماتیک شدیدی بر جمهوری اسلامی حاکم بود و بدترین شرایط نظام بعد ۱۰۰سال اول بسود هزاران کیلومتر از خاک ایران در اشغال دشمن بود. شرق و غرب دست به دست هم داده بودند تا ایران را تحت فشار قرار دهند و از با دربیاورند. ولی سخنرانی مفاهم‌طبیعی‌هستی بسیار تاثیرگذار بود. خاطرم هست آن زمان من سفیر ایران در آلمان بودم، سفیر کوبا به من می‌گفت که «فیدل کاسترو» فیلم سخنرانی رهبری را دارد و چند وقت پیگیر نگاه می‌کند. کسانی که کاسترو را می‌شناسند، می‌دانند که او اهل تملق و شوخی نیست. وقتی می‌گوید فیلم سخنرانی را دارد و آن را می‌بیند، به این معناست که این سفر- سفر موفق و تاثیرگذاری بوده است. بعد از آن، به نظرم دومین سفر موفق بود و توانست افکار عمومی را جلب کند، سفر آقای خاتمی بود که گفت‌وگوی تمدن‌ها در آن به تصویب رسید. این سفر از از جهت موفق بود که مطالب با ادبیاتی متفاوت و جدید مطرح شد. باوجود اینکه دنیا می‌خواست از ایران یک‌چهره ضدصلح و جنگ‌طلب معرفی کند، طرح گفت‌وگوی تمدن‌ها به تصویب رسید که بسیار مهم بود. این دو سفر بالاترین نمره را دارد.

■ با توجه به اینکه هشت‌سال ریاست ایران‌هراسی انجام می‌شده است، سفر آقای روحانی توانست این فضا را برگرداند؟ و اینکه امسال هم می‌تواند امتداد داشته باشد؟

بله. سفر سال گذشته تا حدودی توانست ایران‌هراسی را برگرداند ولی موضوع ایران‌هراسی و اسلام‌هراسی به‌نظر من یک‌پروژه ادامه‌دار است و به این زودی تمام نمی‌شود. البته افکار عمومی دنیا فهمیده است آنکه دنبال جنگ است آمریکا و رژیم صهیونیستی و این دسته از کشورها هستند.

■ سفر رییس‌جمهوری به نیویورک می‌تواند به فضای مذاکرات کمکی کند؟

می‌تواند. تاثیر بگذارد ولی ما باید بدانیم در مذاکرات هسته‌ای، اختلافات جدی است به نظر می‌آید پس از مذاکرات دوجانبه که شهریور ماه برگزار شد، این اختلافات کمتر شده است. اخباری هم که از این مذاکرات منتشر شده از طرف ایران بوده، البته غیرها قطعا انظار امیدواری کرده‌اند که مذاکره به نتیجه برسد. ولی از محتوای مذاکره زیاد چیزی نگفتند. از حرف‌های طرف ایرانی اینگونه برمی‌آید که فاصله زیاد است. البته از اینجا هم معلوم بود که فاصله زیاد خواهد بود شاید ما دچار خوشبینی بی‌دلیل شدیم و فکر کردیم مذاکرات به نتیجه می‌رسد. مذاکرات با غربی‌ها، مذاکرات حقوقی نیست. چراکه اگر مذاکرات حقوقی بود در دو اول، دوم، سوم یا حتی ۱۱۰۱ سال پیش باید تمام می‌شد. غرب این مذاکرات را سیاسی کرده یعنی آنها به‌دنبال راه‌حل‌های حقوقی و مرسوم در عرف بین‌المللی نیستند. وقتی اینگونه است آن اراده سیاسی باید در طرف غربی به وجود بیاید. غرب الان دچار مشکل است یعنی آنها به این توافق بیشتر از ما نیاز دارند و خود غربی‌ها هم کم‌کم این را متوجه می‌شوند. بنابراین در این فضا تصور من این است که غربی‌ها به این تفاهمنامه نیاز دارند چون ۱۱۰۱ سال موفق نشدند و فکر کردیم مقابله با ایران همکاری کنند؛ مهم‌تر از همه اینها به نظر من غربی‌ها این را می‌دانند اعتمادبه‌نفس و خودباوری ایرانی‌ها بالاست.

■ در آستانه دور آتی مذاکرات از سوی برخی ناظران، اظهاراتی می‌شود که از به نتیجه‌نرسیدن مذاکرات در نیویورک، حکایت می‌کند. این در حالی است که برگزاری این جلسات در حاشیه مجمع‌عمومی «سازمان‌ملل» و حضور رییس‌جمهوری این امید را ایجاد می‌کند که مقامات ایرانی از سازمان‌های بین‌المللی در راستای رسیدن به توافق بهره گیرند. «احمد شیرزاد» نماینده مجلس‌ششم و فعال سیاسی اصلاح‌طلب در رابطه با موضوع کنونی پرونده هسته‌ای و برگزاری مذاکرات در حاشیه اجلاس عمومی سازمان ملل با «شرق» به گفت‌وگو نشسته است:

■ روند دور تازه مذاکرات هسته‌ای را که از روز پنجشنبه آغاز شده، چگونه ارزیابی می‌کنید؟

مذاکرات هسته‌ای با کشورهای ۵+۱ از نیمه ابتدایی و بعد از سفر آقای روحانی به نیویورک، شتاب بسیار خوبی گرفت و به امضای توافق ژنو ختم شد و پیش‌بینی می‌شد در این دوره شش‌ماهه بتوانیم به یک توافق جامع دست یابیم. در ابتدا امید چندانی برای رسیدن به توافق نهایی وجود نداشت زیرا طرف مقابل هنوز به صورت جدی باور نکرده بود ایران خواهان حل‌وفصل موضوع هسته‌ای است. به مرور زمان این ناامیدی کنار رفت و یکی، دوماه ابتدای این دوره شش‌ماهه جدیت ایران برای غربی‌ها روشن شد و مذاکرات جدیت بیشتری گرفت. در این مدت چندین‌جور شدید بین دولت و وزارت خارجه و کنگره وجود داشت به همین دلیل همزمان با مذاکرات، شاهد قطعنامه‌ها و تصمیم‌گیری‌ها در کنگره آمریکا بودیم. رفته‌رفته امیدها برای رسیدن به نتیجه بیشتر شد اما در پایان دوره شش‌ماهه به توافق جامع نرسیدیم و همین موضوع باعث شد که یک دوماه اجرا خیر تغییر و تحول جدی در مذاکرات نبینیم.

■ یعنی دوباره به بن‌بست نزدیک می‌شویم؟

در حال حاضر ایران داریم به مذاکرات شتاب دهیم و این موضوع را فراموش نکنیم که منافع ما بیشتر از غربی‌ها در گرو توافق و به‌نتیجه‌رسیدن مذاکرات است. شاید آنها بخواهند موضوع را سال‌ها ادامه دهند اما ما باید با ارایه پیشنهاداتی به سمت توافق جامع حرکت کرد و به‌نتیجه‌رسیدن مذاکرات هسته‌ای برای ما سود زیادی ندارد و کار را طولانی می‌کند.

■ طرف ایرانی باید چه کار کند؟

ما منافع قابل‌ملاحظه و چشمگیری در رسیدن به توافق داریم که باید آنها را دنبال کنیم. این دقیقا به معنی انعطاف نیست زیرا ما بفقر کافی انعطاف نشان دادیم و اکنون باید در عرصه مانور و ارتباطات مستقیم دیپلماتیک بهتر عمل و یک بن‌بست گیری جدی کنیم. بهتر است با حداقل انعطاف، بیشترین مانور را نشان دهیم. من فکر می‌کنم در عرصه دیپلماسی عمومی و تبلیغات باید چهره مثبت‌تری را از خود نشان دهیم تا با کمترین امتیازدادن‌ها کار را پیش ببریم.

■ روش مناسب برای این کار چیست؟

باید در داخل ایران یک فضاسازی جدی کنیم و حصول توافق را یک درخواست ملی برای فیصله‌دادن به این بن‌بست هسته‌ای مطرح کنیم. اگر این کار را انکنیم، تنها صدای تندروها از داخل شنیده می‌شود که اگرچه به مذاکرات لطمه نمی‌زند، اما کار را برای مذاکره‌کنندگان سخت می‌کند و بار هزینه ژست سیاسی افراطیون اصولگرا از جیب ملت پرداخت می‌شود.

■ به مانور دیپلماتیک اشاره کردید، با توجه به اینکه این دور از مذاکرات در حاشیه مجمع‌عمومی «سازمان‌ملل» برگزار می‌شود و آقای روحانی نیز در نیویورک، خواهند بود، فکر می‌کنید این حضور تا چه اندازه قدرت مانور ما را برای تاثیرگذاری بر روند مذاکرات افزایش می‌دهد؟

این یک فرصت طلایی است که نباید اجازه دهیم با تکرار حرف‌های کلیشه‌ای بگذرد. مسوولان ردهبالای کشور بهویژه شخص آقای روحانی باید بتوانند با مانور تبلیغاتی مناسب فضا را در جامعه جهانی بمنفع ایران تغییر دهند. باید فضایی ایجاد شود که همکاری با ایران بعنوی افتخار و مزیت به حساب آید و از این شرایط که حتی وزارت خارجه آمریکا همکاری با ایران را در مورد ذهنی کشمان می‌کند؛ خارج شویم.

■ اما منتقدان توافق «ژنو» معتقدند هست به این توافق، شاهد افزایش دامنه شمول تحریم‌ها بودیم.

ما نباید روی یک موضوع حاشیه‌ای تمرکز و روند کلی مذاکرات را فراموش کنیم زیرا ما در مقابل خود یک ملعمه از گرایش‌های سیاسی در جهان را داریم و این ما هستیم که باید بتوانیم بر تعداد موافقان بیفزاییم و مخالفان را ممزوی کنیم. تشدید سیاسی برخی از تحریم‌ها نیز به نفع ما نیست. فضای جهانی جهانی بود و کاری که می‌توانیم انجام دهیم؛ به دست گرفتن اینکار هم‌ما است و سایر کشورها نمی‌توانند این فرانوشیت‌های مقطعی است.

■ فکر می‌کنید توافق روی اینکه مذاکرات در «نیویورک» از سر گرفته شود را می‌توان یکی از نشانه‌های توافق کلی دانست؟

معمولا در دوران آقای جلیلی نیز در مورد مکان به توافق می‌رسیدیم. اما نکته قابل‌توجه این است که برگزاری نشست در خاک ایران و کشورهای مقابل، حصول نتیجه را زدیک‌تر می‌کند، به همین خاطر این امر را یک نکته مثبت تلقی می‌کنم.

■ حضور روسای دولت‌ها در مجمع‌عمومی «سازمان‌ملل» می‌تواند در تسریع تصمیم‌گیری‌ها و هماهنگی‌های مذاکرات نقش داشته باشد؟

گمان نمی‌کنم، به لحاظ کارشناسی معمولا اینطور نیست که وقتی روسای‌جمهوری کنار هم باشند بتوانند همان‌جا تصمیم بگیرند اما کنار هم قرارگرفتن روسای دولت‌ها می‌تواند فضاها را تغییر دهد و این نکته مثبتی است. در مورد تصمیم‌گیری‌ها تغییر مهمی ایجاد نمی‌شود زیرا روسای دولت‌هایی که درست تصمیم می‌گیرند با سرعت و بدون فکر و کارشناسی این کار را نمی‌کنند.

■ با این تفاسیر شما چه اندازه به نتیجه‌بخشی مذاکرات خوشبین هستید؟

من با توجه به شرایط موجود و ملاقات‌های دوجانبه‌ای که در این مدت انجام شده است، به این مذاکرات امیدوارم.

■ اجازه دهید به اجلاس مجمع عمومی «سازمان‌ملل» و نحوه بهره‌گیری از این فرصت بپردازیم. به‌نظر شما تصمیم رییس‌جمهور برای حضور در این اجلاس چقدر به برگزاری مذاکرات هسته‌ای در «نیویورک» مربوط می‌شود؟

شاید اینطور باشد اما من اعتقاد دارم آقای رییس‌جمهور باید از این فرصت استفاده بهتری کند و خبر بلندتری بردارد تا رفع مشکلات در مذاکرات هسته‌ای نیز در کنار آن حاصل شود. منظور از خبر بلندتر این نیست که یکباره اعلام کنیم ما هسته کشورها تعامل می‌کنیم و... این ممکن نیست و کسی هم باور نمی‌کند اما توقع ما از این خبر خیلی ساده است.

■ این توقع ساده چیست؟

انتظار دارم رییس‌جمهور کشور ما نیز در جریان ملاقات‌های تشریفاتی بتواند مانند دیگر روسای‌جمهور عمل کند؛ بتواند با دیگران تعامل کند. در یک مراسم رسمی شاید کار چندان بنشیند و نسبت کند، با دیگران دست بدهد و... این نگاه به با تخطئه و فاصله‌گرفتن از دیگران ایهت ما بالا می‌رود یا باید تغییر داد. به نظر من اصلا لازم نیست که روحانی به «نیویورک» برود و در مذاکرات برگ خیلی مهمی را رو کند. کافی است که در سطح تشریفاتی معمول ظاهر شود و این موضوع ساده، بچ بسیاری از روابط را ذوب و روی مذاکرات نیز تاثیرگذار خواهد بود.

■ اگر ایران و دولت یازدهم هدف اصلی خود را در این اجلاس همان ادامه سیاست‌های نشنی‌زدایی و از میان‌بردن ایران‌هراسی قرار دهد، به نتایجی می‌رسیم که در جهت رفع مشکلات هسته‌ای نیز به کار آید؟

حمیدرضا آصفی در گفت‌وگو با «شرق»

باید جو افکار عمومی را در «نیویورک» در دست بگیریم

تلاش شود که از ظرفیت‌های ایرانیان مقیم آمریکا استفاده شود

محمدحسن نجفی

عکس: امیر حیدری، شرق

سفر سال گذشته (روحانی) تا حدودی توانست ایران‌هراسی را برگرداند ولی موضوع ایران‌هراسی و اسلام‌هراسی به‌نظر من یک‌پروژه ادامه‌دار است و به این زودی تمام نمی‌شود. البته افکارعمومی خیلی چیزها را متوجه شده است و افکار عمومی دنیا فهمیده است آنکه دنبال جنگ است آمریکا و رژیم صهیونیستی و این دسته از کشورها هستند

■ سفر رییس‌جمهوری به نیویورک می‌تواند به فضای مذاکرات کمکی کند؟

می‌تواند. تاثیر بگذارد ولی ما باید بدانیم در مذاکرات هسته‌ای، اختلافات جدی است به نظر می‌آید پس از مذاکرات دوجانبه که شهریور ماه برگزار شد، این اختلافات کمتر شده است. اخباری هم که از این مذاکرات منتشر شده از طرف ایران بوده، البته غیرها قطعا انظار امیدواری کرده‌اند که مذاکره به نتیجه برسد. ولی از محتوای مذاکره زیاد چیزی نگفتند. از حرف‌های طرف ایرانی اینگونه برمی‌آید که فاصله زیاد است. البته از اینجا هم معلوم بود که فاصله زیاد خواهد بود شاید ما دچار خوشبینی بی‌دلیل شدیم و فکر کردیم مذاکرات به نتیجه می‌رسد. مذاکرات با غربی‌ها، مذاکرات حقوقی نیست. چراکه اگر مذاکرات حقوقی بود در دو اول، دوم، سوم یا حتی ۱۱ سال پیش باید تمام می‌شد. غرب این مذاکرات را سیاسی کرده یعنی آنها به‌دنبال راه‌حل‌های حقوقی و مرسوم در عرف بین‌المللی نیستند. وقتی اینگونه است آن اراده سیاسی باید در طرف غربی به وجود بیاید. غرب الان دچار مشکل است یعنی آنها به این توافق بیشتر از ما نیاز دارند و خود غربی‌ها هم کم‌کم این را متوجه می‌شوند. بنابراین در این فضا تصور من این است که غربی‌ها به این تفاهمنامه نیاز دارند چون ۱۱۰۱ سال موفق نشدند و فکر کردیم مقابله با ایران همکاری کنند؛ مهم‌تر از همه اینها به نظر من غربی‌ها این را می‌دانند اعتمادبه‌نفس و خودباوری ایرانی‌ها بالاست.

■ برخی بر این عقیده‌اند که نشست مجمع عمومی بیشتر حالت دکوری دارد. جایگاه مجمع‌عمومی سازمان‌ملل در مراوده بین کشورها چیست؟

مجمع‌عمومی بزرگ‌ترین جلسه‌ای است که در طول سال درباره مسایل مهم بین‌المللی برگزار می‌شود. در طول یکسال جمعیت و گروهی، جلسه‌ای به این بزرگی ندارد. از این جهت این اجلاس جزاهمیت است. این به این معناست که حاوی دیدگاه‌ها، بحث‌ها و نظرهای مختلف است. در کنار مجمع، جلسات متعددی برگزار می‌شود. مثلا در کنار این اجلاس، گروه عدم تعهد، یا کنفرانس اسلامی اگر بتوانند اعضایشان را جمع کنند جلسه برگزار می‌کنند. یا اینکه جلسات در مورد محیط‌زیست برگزار می‌شود که امسال نیز شاهد آن خواهیم بود. یعنی اینکه وقتی صحبت از مجمع‌عمومی می‌شود، بحث فقط محدود به جلسه مجمع که روسای‌جمهوری یا وزرای خارجه در آن سخنرانی می‌کنند، نمی‌شود؛ بلکه جلسات متعددی با موضوعات مختلف در کنار آن برگزار می‌شود. این خوش‌شانسی فی‌نفسه دارای اهمیت است. موضوع دیگر که در این اجلاس اهمیت دارد، بیان نظرات و دیدگاه‌های مسوولان مختلف نظیر رییس‌جمهوری، نخست‌وزیر یا وزیرخارجه کشورهاست. چراکه با مطرح‌شدن دیدگاه‌های کشورها و همچنین پوشش خوبی که این اجلاس در رسانه‌جهان دارد، می‌توان گفت که طرح دیدگاه‌ها به کشورها کمک می‌کند تا در افکار عمومی تاثیرگذار باشند. کارکرد دیگر مجمع‌عمومی، دیدار وزرا و هیأت‌های دیپلماتیک با همتایان خود از سایر کشورهاست که بسیار اهمیت دارد. برخی کشورها از تریبون‌دادن مصاحبه‌های مطبوعاتی یا بازدیدهای رسانه‌ای به‌خوبی از حاشیه مجمع‌عمومی استفاده می‌کنند. چراکه الان دنیا، دنیای رسانه‌هاست و یکی از پایه‌های مهم دیپلماسی بر رسانه استوار است. اگر کشوری بتواند از مجموعه این ظرفیت‌ها بیشتر استفاده کند، بیشتر موفق است. مجمع‌عمومی کارکرد اجرایی ندارد و تصمیمی نمی‌گیرد ولی این کارکردهای از هر تصمیم اجرایی‌ای مهم‌تر است. مجمع‌عمومی جایی است که کشورها برای منافع ملی‌شان می‌توانند از آن استفاده زیادی ببرند.

■ اگر بخواهیم عملکرد دولت‌های پس از جنگ را در مجمع‌عمومی بررسی کنیم، به نظر شما از بین سفر یا سفرهای آقایان «خاتمی»، «احمدی‌نژاد» و «روحانی» کدام‌یک موفق‌تر بود؟

به نظر من سفری که مقام‌معظم‌رهبری در قالب رییس‌جمهوری به نیویورک رفتند، بسیار سفر موفقی بود. چون فضای جنگ را داشتیم و انزوای دیپلماتیک شدیدی بر جمهوری اسلامی حاکم بود و بدترین شرایط نظام بعد ۱۰۰سال اول بسود هزاران کیلومتر از خاک ایران در اشغال دشمن بود. شرق و غرب دست به دست هم داده بودند تا ایران را تحت فشار قرار دهند و از با دربیاورند. ولی سخنرانی مفاهم‌طبیعی‌هستی بسیار تاثیرگذار بود. خاطرم هست آن زمان من سفیر ایران در آلمان بودم، سفیر کوبا به من می‌گفت که «فیدل کاسترو» فیلم سخنرانی رهبری را دارد و چند وقت پیگیر نگاه می‌کند. کسانی که کاسترو را می‌شناسند، می‌دانند که او اهل تملق و شوخی نیست. وقتی می‌گوید فیلم سخنرانی را دارد و آن را می‌بیند، به این معناست که این سفر- سفر موفق و تاثیرگذاری بوده است. بعد از آن، به نظرم دومین سفری که مهم بود و توانست افکار عمومی را جلب کند، سفر آقای خاتمی بود که گفت‌وگوی تمدن‌ها در آن به تصویب رسید. این سفر از از جهت موفق بود که مطالب با ادبیاتی متفاوت و جدید مطرح شد. باوجود اینکه دنیا می‌خواست از ایران یک‌چهره ضدصلح و جنگ‌طلب معرفی کند، طرح گفت‌وگوی تمدن‌ها به تصویب رسید که بسیار مهم بود. این دو سفر بالاترین نمره را دارد.

■ با توجه به اینکه هشت‌سال ریاست ایران‌هراسی انجام می‌شده است، سفر آقای روحانی توانست این فضا را برگرداند؟ و اینکه امسال هم می‌تواند امتداد داشته باشد؟

بله. سفر سال گذشته تا حدودی توانست ایران‌هراسی را برگرداند ولی موضوع ایران‌هراسی و اسلام‌هراسی به‌نظر من یک‌پروژه ادامه‌دار است و به این زودی تمام نمی‌شود. البته افکارعمومی خیلی چیزها را متوجه شده است و افکار عمومی دنیا فهمیده است آنکه دنبال جنگ است آمریکا و رژیم صهیونیستی و این دسته از کشورها هستند.

■ سفر رییس‌جمهوری به نیویورک می‌تواند به فضای مذاکرات کمکی کند؟

می‌تواند. تاثیر بگذارد ولی ما باید بدانیم در مذاکرات هسته‌ای، اختلافات جدی است به نظر می‌آید پس از مذاکرات دوجانبه که شهریور ماه برگزار شد، این اختلافات کمتر شده است. اخباری هم که از این مذاکرات منتشر شده از طرف ایران بوده، البته غیرها قطعا انظار امیدواری کرده‌اند که مذاکره به نتیجه برسد. ولی از محتوای مذاکره زیاد چیزی نگفتند. از حرف‌های طرف ایرانی اینگونه برمی‌آید که فاصله زیاد است. البته از اینجا هم معلوم بود که فاصله زیاد خواهد بود شاید ما دچار خوشبینی بی‌دلیل شدیم و فکر کردیم مذاکرات به نتیجه می‌رسد. مذاکرات با غربی‌ها، مذاکرات حقوقی نیست. چراکه اگر مذاکرات حقوقی بود در دو اول، دوم، سوم یا حتی ۱۱ سال پیش باید تمام می‌شد. غرب این مذاکرات را سیاسی کرده یعنی آنها به‌دنبال راه‌حل‌های حقوقی و مرسوم در عرف بین‌المللی نیستند. وقتی اینگونه است آن اراده سیاسی باید در طرف غربی به وجود بیاید. غرب الان دچار مشکل است یعنی آنها به این توافق بیشتر از ما نیاز دارند و خود غربی‌ها هم کم‌کم این را متوجه می‌شوند. بنابراین در این فضا تصور من این است که غربی‌ها به این تفاهمنامه نیاز دارند چون ۱۱۰۱ سال موفق نشدند و فکر کردیم مقابله با ایران همکاری کنند؛ مهم‌تر از همه اینها به نظر من غربی‌ها این را می‌دانند اعتمادبه‌نفس و خودباوری ایرانی‌ها بالاست.

■ برخی بر این عقیده‌اند که نشست مجمع عمومی بیشتر حالت دکوری دارد. جایگاه مجمع‌عمومی سازمان‌ملل در مراوده بین کشورها چیست؟

مجمع‌عمومی بزرگ‌ترین جلسه‌ای است که در طول سال درباره مسایل مهم بین‌المللی برگزار می‌شود. در طول یکسال جمعیت و گروهی، جلسه‌ای به این بزرگی ندارد. از این جهت این اجلاس جزاهمیت است. این به این معناست که حاوی دیدگاه‌ها، بحث‌ها و نظرهای مختلف است. در کنار مجمع، جلسات متعددی برگزار می‌شود. مثلا در کنار این اجلاس، گروه عدم تعهد، یا کنفرانس اسلامی اگر بتوانند اعضایشان را جمع کنند جلسه برگزار می‌کنند. یا اینکه جلسات در مورد محیط‌زیست برگزار می‌شود که امسال نیز شاهد آن خواهیم بود. یعنی اینکه وقتی صحبت از مجمع‌عمومی می‌شود، بحث فقط محدود به جلسه مجمع که روسای‌جمهوری یا وزرای خارجه در آن سخنرانی می‌کنند، نمی‌شود؛ بلکه جلسات متعددی با موضوعات مختلف در کنار آن برگزار می‌شود. این خوش‌شانسی فی‌نفسه دارای اهمیت است. موضوع دیگر که در این اجلاس اهمیت دارد، بیان نظرات و دیدگاه‌های مسوولان مختلف نظیر رییس‌جمهوری، نخست‌وزیر یا وزیرخارجه کشورهاست. چراکه با مطرح‌شدن دیدگاه‌های کشورها و همچنین پوشش خوبی که این اجلاس در رسانه‌جهان دارد، می‌توان گفت که طرح دیدگاه‌ها به کشورها کمک می‌کند تا در افکار عمومی تاثیرگذار باشند. کارکرد دیگر مجمع‌عمومی، دیدار وزرا و هیأت‌های دیپلماتیک با همتایان خود از سایر کشورهاست که بسیار اهمیت دارد. برخی کشورها از تریبون‌دادن مصاحبه‌های مطبوعاتی یا بازدیدهای رسانه‌ای به‌خوبی از حاشیه مجمع‌عمومی استفاده می‌کنند. چراکه الان دنیا، دنیای رسانه‌هاست و یکی از پایه‌های مهم دیپلماسی بر رسانه استوار است. اگر کشوری بتواند از مجموعه این ظرفیت‌ها بیشتر استفاده کند، بیشتر موفق است. مجمع‌عمومی کارکرد اجرایی ندارد و تصمیمی نمی‌گیرد ولی این کارکردهای از هر تصمیم اجرایی‌ای مهم‌تر است. مجمع‌عمومی جایی است که کشورها برای منافع ملی‌شان می‌توانند از آن استفاده زیادی ببرند.

**■ یعنی دوباره به بن‌بست نزدیک می‌شوی